

پیوند خود را

بازبان عربی، حفظ کنیم

کلمات عربی آنچنان در تاروپود نوشته‌ها و گفته‌های فارسی زبانان جای گرفته که برداشتن یا تعویض آنها موجب گسستگی نسل امروز با نسل دیروز خواهد شد



بنابراین لازم است در این باره بررسی واقع-
بینانه‌ای انجام گیرد.

به‌گواهی تاریخ از حدود سیزده قرن و نیم پیش که نیاکان ما آئین مقدس اسلام را پذیرفته‌اند زبان و ادب فارسی با عربی ارتباطی استوار و پیوندی ناگسستگی یافته است گرچه پیش از اسلام هم این پیوند میان ایران و کشورهای عربی کم و بیش وجود داشت ولی آشنائی ایرانیان با احکام و قوانین آسمانی اسلام و معاشرت بیش از پیش با مسلمانان، سبب شد، که بسیاری از کلمات و برخی از اشعار و ضرب‌المثل-های عربی و احادیث اسلامی و آیات قرآن مجید،

معمول شده است که هر سال چند روزی گروهی از استادان و دبیران ادبیات فارسی از نقاط مختلف کشور دور هم جمع می‌شوند و راجع به زبان و ادبیات فارسی، به‌شور و تبادل نظر و سخنرانی می‌پردازند در این جلسات معمولاً در باره تدریس زبان عربی، ارتباط فارسی با عربی، لغاتی که از عربی به فارسی راه یافته‌اند، بحث و گفتگوها می‌کنند، تنی چند بعنوان مخالف با زبان و کلمات عربی، دسته‌ای موافق و گروهی موافق مشروط داد سخن می-دهند.

* * *

نیاز و استفاده طبقات مختلف مردم بویژه دانش پژوهان و محققان علوم انسانی و اسلامی است و بهره برداری از این میراث گرانبها ایجاب می کند که زبان این آثار ارزنده را حفظ نمایم

۳- زبان عربی با هشتصد میلیون مسلمان جهان محکمترین و استوارترین پیوند را دارد و ما با فرا گرفتن زبان عربی می توانیم پیوندهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و... را که حافظ منافع مادی و معنوی ما است با آنها استوارتر سازیم

۴- بکار رفتن گروه بی شماری از لغات، اشعار و ضرب المثلها بویژه آیات قرآن و احادیث اسلامی در زبان فارسی فرا گرفتن آنرا ایجاب می کند.

استقبال و گرایش شاعران و ادبای فارسی به درج و تحلیل و ترجمه آیات قرآن به وصف نمی گنجد .

عشق و علاقه آنان به قرآن از خردسالی آغاز می گشت و تا پایان عمر ادامه می یافت تا حدود پنجاه سال پیش ایرانیانی که خواندن و نوشتن می آموختند یا کلام خدا آغاز بکار می کردند . در مکتب خانه ها و در مدرسه ها تعلیم قرآن کلید باب دانش و فرهنگ شمرده میشد مغزهای شاداب و مستعد دانش آموزان از همان روزگار کودکی با کلمات و آیات قرآن خود می گرفت و پیوندی استوار می یافت، آنگاه در فراز و نشیب زندگی، در گفتار و کردارشان در نظم و نثرشان ، تاثیر قرآن ظاهر می گشت . امید آنکه نسل جوان و روشنفکر کنونی هم با وجود همه مشکلات و موانع پیوند خود را با قرآن عزیز حفظ کنند .

نویسندگان و شاعران پارسی گوی ، گاهی آیه ای از قرآن یا بخشی از آن را محور اصلی سخن قرار

بصورت های گوناگون در زبان و ادبیات فارسی راه یابند و تا امروزه فارسی زبان از صبح تا شام با این کلمات و عبارات سروکار داشته و خواهد داشت . از این رو یادگیری و یاد دادن زبان عربی از همان اوائل ظهور اسلام در مدارس و آموزشگاهها، امری لازم و شایسته بنظر رسیده است امروز هم بیشتر استادان زبان و ادب فارسی بخوبی آگاهند که آموزش زبان عربی برای رشته های الهیات، ادبیات، حقوق، تاریخ، فلسفه، منطق و مانند اینها تاجه حد ضروری است . با وجود این در مطبوعات و در انجمن ها و در هر موقعیتی که پیش می آید گروهی معرض و بیایی خبر، دست از سم پاشی و لجاجت بر نمی دارند . از این جهت لازم است علل روشن لزوم آموزش زبان عربی را برای فارسی زبانها بازگو نمایم .

۱- نخست هر فرد مسلمان ایرانی علاقه مند است با پیام الهی (قرآن) آشنا و از محتویات آن بهره مند گردد بهره برداری از قرآن بدون آشنائی بزبان آن امکان پذیر نیست و همچنین است بهره برداری از سخنان پیامبر گرامی و پیشوایان راستین .

۲- بسیاری از دانشمندان و برجستگان ایرانی که عزیزترین مفاخر ملی ما شمرده می شوند آثار علمی و ادبی خود را به زبان عربی نوشته اند . . .

در طول تاریخ اسلام دانشمندان ایرانی آثار ارزنده ای پیرامون علوم و دانشهای مختلف از قبیل تفسیر، حدیث، تاریخ، اخلاق، عرفان، فلسفه، ادبیات، طب و نجوم ، ریاضیات و هندسه و . . . به زبان عربی نوشته اند و هم اکنون هزاران جلد کتاب در این باره از آنان به زبان عربی به یادگار مانده است که مورد

گذشته از قرآن مجید که کلام خالق است و سخن هیچ مخلوق پهای آن نمی رسد، مسلمانان به احادیث رسول (ص) و سخنان حکمت آمیز معصومین توجهی خاص مبذول داشته اند. سخنان رسول اکرم (ص) گاهی عینا در نظم و نثر فارسی درج گردیده و کلام نویسنده را زیور بخشیده و زمانی شاعر یا ادیب مفهوم و معنی حدیث را در لباس عبارت فارسی جلوه داده است. چنانکه در شاهنامه فردوسی آمده :

که من شهر علمم علیم در است

درست این سخن گفت پیغمبر است

ترجمه سخن معروف رسول خدا است : اَنَا

مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا

و استاد سخن سعدی شیرازی در آنجا که در نوع

دوستی داد سخن می دهد :

بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش زیك گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

نظرش بدین حدیث نبوی بوده است : مَثَلُ

الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ

مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى عَضُوهُ نَادَى لِكُلِّ سَائِرِ

الْجَسَدِ بِالْحُمَى وَالسَّهَرِ (احادیث مشوی ص ۱۳۷)

* * *

اما کلمات «عربی الاصل» که بغارسی راه یافته اند

حدومرزی ندارند با کمی دقت در نام و نام خانوادگی ها

و گفتگوهای روزانه با نگاهی بدقت اسامی مشترکان

می دادند و نیز بعنوان دلیل و حجت با برای تاکید و تزین گفتار خود از آن بهره می گرفتند انواع استفاده ها از قرآن آنقدر معمول و رایج بود که برای جمع و تألیف و ثبت و ضبط آن ها سالها وقت لازم است که با مختصر آشنائی با قرآن و بررسی آثار سخنورانی چون ناصر خسرو، سنائی، عطار، خاقانی، مولوی، سعدی، حافظ و... تردیدی در صحت این ادعا باقی نمی ماند.

از طرفی عرفا و فلاسفه بزرگ ایران که به نوبت خود در گسترش فرهنگ و معارف مبین خویش سهمی ارزنده داشته اند در تهیه ذخائر فانی و فلسفی بیش از هر کتابی به کلام خدا، روی آورده اند در نخستین قصیده سعدی چنین می خوانیم :

شکر و سپاس و منت و عزت خدای را

پروردگار خلق و خداوند کبریا

تا آنجا که گوید :

کس را چه زور و زهره که وصف علی کند

جبار در مناقب او گفت : هَلْ أَتَى (۱)

زور آزمای قلعه خبیر که بند او

در يك دگر گسست به بازوی لافتی

مردی که در مصاف زده پیش بسته بود

تا پیش دشمنان ندهد پشت بر غزا

شیر خدا و صفدر میدان بحر جود

لشکرکش فتوت و سردار اَتْقِيَا

فردا که هر کسی بد شفیعی زند دست

مائیم و دست و دامن معصوم مرتضی

* * *

۱- هل اتی : اشاره است به آیه ۶ از سوره الدهر : هل اتی علی الانسان حين من الدهر لم یکن

نفلن، با مطالعه سند مالکیت يك خانه، بانگاهی به تابلوهای منصوب در سردر فروشگاهها و ادارات دولتی بانظری به اوراق يك روزنامه، كتاب علمی، ادبی، تاریخی... خلاصه اگر در آنچه می گوئیم و می شنویم و می خوانیم دقیق شویم درمی یابیم که لغات و کلمات عربی آنچنان در فارسی پود نوشته ها و گفته های فارسی زبانان جای گرفته که برداشتن یا تعویض آنها موجب گسستگی نسل امروز، با آثار نسل دیروز خواهد شد.

با وجود این گهگاه کسانی یافت می شوند که بعقل مختلف با زبان عربی دشمنی می ورزند و کوششهای بیهوده و گاهی زیان بخش هم می نمایند. در هبارتی کوتاه از آنان می پرسیم: آیا یادگیری و نگهداری

آثار نوشته های بزرگان و سخنوران این مرز و بوم که با کلمات فارسی و عربی بر صفحات کتابها نقش بسته برای ماضوری است یا نه؟ آیا برای نسل های آینده لازم است که با آثار گرانبهای ادبی و علمی اجداد خود مستقیماً آشنا شوند و بهره ببرند یا نه؟ در صورت لزوم که شکی در آن نیست آیا دشمنی با لغات و زبان عربی، دشمنی غیر مستقیم با زبان و ادب فارسی نیست؟ به اصل موضوع برگردیم با این چهار دلیل که به اختصار بیان شد لزوم فرا گرفتن زبان عربی برای ما فارسی زبانان تاحدی واضح گردید. اکنون ببینیم با آموختن زبان و کلمات و مشتقات عربی چه تسهیلاتی در آموزش زبان فارسی پدید می آید.

بقیه از صفحه ۶

این حقیقت علمی که امروزها بر سر زبانها افتاده است، همان تبدیل انرژی بماده است زیرا تبدیل ماده به انرژی بسیار آسان و هر روز ما شاهد میلیونها ازان هستیم، ولی تا کنون دیده نشده است که انرژی بماده و جرم تبدیل گردد ولی امکان آن نیز از نظر علمی نفی نشده است.

برای اولین بار قرآن در تاریخ علم، پرده از روی این حقیقت برداشته و پاداشها و مکافات های اخروی را از قبیل تجسم اعمال و تبدیل اعمال نیک و بد انسان پیداش و کيفر جرمی و جسمی، معرفی کرده است، آیاتی از قرآن برای این حقیقت گواهی میدهد که برخی از آنها در اینجا اشاره می شود:

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا
وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ
أَمَدًا يَّعْبُدُهَا (آل عمران آیه ۳۰)

: روزی فرا می رسد که هر کس آنچه را که از اعمال نیک و بد انجام داده است، حاضر و آماده می بیند، آرزومی کند ای کاش میان او و عملش فرسنگها فاصله می بود.
در این آیه خداوند می فرماید: انسانها در روز قیامت عمل را حاضر می بینند نه کيفر و نتیجه آنها، تو گوئی خود عمل با وجود اخروی در برابر شخص حاضر می گردد.

باز می فرماید: **وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا**
وَلَا يَظُنُّمْ رَبُّكَ أَحَدًا (سوره كهف آیه ۴۹)
: هر فردی اعمال خویش را حاضر خواهد دید و پروردگارتو بر احدی ستم نمی کند.

اینجا است که همگی باید بگوئیم: **وَرَبَّنَا أَصْرِفْ**
عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ، إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا. بارالها ما را از آتش دوزخ برهان.